



Electronic criminal confession in the laws of Iran and Afghanistan

Hassan Ali Moazenzadegan¹

Abdul Qudous Arseen²

Professor of Criminal Law and Criminology Department, Faculty of Law and Political Sciences, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran (corresponding author) Ha.moazenzadegan@atu.ac.ir

LLm in Criminal Law and Criminology arseenrs@gmail.com

Abstract

Proving evidence is the bridge between procedural and substantive laws in criminal proceedings. Human progress in the field of information and communication technology has made it necessary to design and examine electronic criminal confessions as one of the important evidences in the laws of Iran and Afghanistan, which the current research has been responsible for. How to validate this evidence in the laws of the two mentioned countries is the subject of the present research, which was done with the descriptive-analytical research method. First, the feasibility of accepting the accused's confession through electronic telecommunication systems; Then, the challenges regarding its validity in the criminal laws of Iran and Afghanistan have been examined. In Iranian law, electronic criminal confession is accepted. However, in Afghanistan's law, the legislator has not provided a statement regarding the acceptance of electronic criminal confessions with respect to technological advances. The challenges of accepting electronic criminal confessions in Iranian law are in the cases of judicial representation, proof of limits, the necessity of physical presence of the accused before the judge. The current research was conducted with the hypothesis that the need to attend the proceedings based on audio-visual contact and the interaction of the accused with the judge from a distance is as necessary as physical presence; And with the provision of the necessary conditions, virtual presence has effects like other social interactions. Undoubtedly, the challenge of virtual presence through transparent, safe and secure electronic infrastructure with high-speed Internet is solved. However, in Iranian law, the lack or lack of completion of optimal realization infrastructures, as described above, is an important challenge for realizing the validity of electronic criminal confessions based on the standards of fair proceedings, which the judiciary must provide in order to provide these infrastructures to give validity to this type of evidence has enough effort.

Keywords: electronic proceedings, electronic criminal evidence, electronic criminal confession, Iranian law, Afghan law

Received: 28/01/2024

Accepted: 08/03/2024

How To Cite: Muezzin Zadegan Hassan Ali, Arsin Abdul Qudous, (2024). Electronic criminal confession in the laws of Iran and Afghanistan, *Criminal law doctrines of Islamic countries*, 1 (1), 83-102.

doi.org/10.22091/DCLIC.2024.10360.1003

Published by: University of Qom

© The Author(s)

Article type: Research



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



اقرار کیفری الکترونیک در حقوق ایران و افغانستان

حسنعلی مؤذن زادگان^۱

عبدالقدوس آرسین^۲

استاد گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی، ایران، تهران (نویسنده مسئول)

Ha.moazen-zadegan@atu.ac.ir

کارشناس ارشد حقوق کیفری و جرم‌شناسی Arseenrs@gmail.com

چکیده

ادله اثبات، پُل ارتباطی قوانین شکلی و ماهوی در فرآیند دادرسی کیفری است. پیشرفت‌های بشر در حوزه فناوری اطلاعات و ارتباطات موجب ضرورت طرح و بررسی اقرار کیفری الکترونیک به‌عنوان یکی از ادله مهم در حقوق ایران و افغانستان شده که پژوهش حاضر عهده‌دار آن گردیده است. چگونگی اعتبار این دلیل در حقوق دو کشور مزبور مسئله پژوهش حاضر است که با روش تحقیق توصیفی-تحلیلی انجام شده است. نخست، امکان‌سنجی پذیرش اقرار متهمان از طریق سامانه‌های مخابراتی-الکترونیکی. سپس، چالش‌های ناظر بر اعتبار آن در حقوق کیفری ایران و افغانستان بررسی گردیده است. در حقوق ایران، اقرار کیفری الکترونیک پذیرفته شده است. اما، در حقوق افغانستان، قانون‌گذار با اشراف بر پیشرفت‌های فناوری تصریحی مبنی بر پذیرش اقرار کیفری الکترونیک ارائه نکرده است. چالش‌های پذیرش اقرار کیفری الکترونیک در حقوق ایران در موارد نیابت قضایی، اثبات حدود، ضرورت حضور جسمی متهم نزد قاضی مطرح است. پژوهش حاضر با این فرضیه انجام شده است که لزوم حضور در دادرسی بر اساس تماس صوتی-تصویری و تعامل متهم با قاضی از راه دور همچون حضور جسمی امری ضروری است و با فراهم بودن شرایط لازم، حضور مجازی همچون سایر تعاملات اجتماعی دارای آثار است. بدون تردید، چالش مربوط به حضور مجازی از طریق زیرساخت‌های الکترونیک، شفاف، مطمئن و ایمن همراه با اینترنت پرسرعت مرتفع است. بااین حال، در حقوق ایران فقد یا عدم تکمیل زیرساخت‌های تحقق بهینه، به شرح پیش گفته، چالشی مهم برای تحقق اعتبار اقرار کیفری الکترونیک بر اساس موازین دادرسی منصفانه است که قوه قضائیه باید به‌منظور تأمین این زیرساخت‌ها برای اعتباربخشی به این نوع از ادله همت کافی مبذول دارد.

کلیدواژه‌ها: دادرسی الکترونیک، ادله کیفری الکترونیک، اقرار کیفری الکترونیک، حقوق ایران، حقوق افغانستان

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۱۸

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۸

استاد: حسنعلی مؤذن زادگان؛ عبدالقدوس آرسین، (۱۴۰۳). اقرار کیفری الکترونیک در حقوق ایران و افغانستان، *آموزه‌های حقوق کیفری کشورهای اسلامی*، ۱ (۱)، ۱۰۲-۸۳.

DOI.ORG/10.22091/DCLIC.2024.10360.1003

نوع مقاله: پژوهشی

© نویسندگان

ناشر: دانشگاه قم

از مقدمات محاکمه، در مرحله اول اثبات وقوع جرم و در مرحله دوم انتساب اتهام به شخص یا اشخاص معین است که هر دو امر استوار بر «دلیل» است. ادله اثبات از مهم‌ترین بخش‌های آیین دادرسی کیفری است و کارکرد آن رهنمون‌سازی کارگزاران قضایی به حقیقت جهت صدور حکم مقتضی است. در قرون اخیر، به‌ویژه در قرون وسطی، شکنجه برای حصول اقرار به‌عنوان دلیل کاربرد داشت (Damaška, 2019, 41)؛ اما امروزه اعمال آن در فرآیند دادرسی باعث ابطال دلیل (اقرار) حاصل از آن می‌گردد^۱. بنابراین، فرآیند و اصول دادرسی کیفری مصون از تحولات تاریخی نمانده و در گذر زمان دگرگون گردیده است. یکی از تحولات جاری که اکنون آیین دادرسی کیفری با آن مواجه است، انطباق با فناوری اطلاعات و ارتباطات برای تحقق دولت الکترونیک است.

امروزه، مجرمان نه تنها از فناوری در ارتکاب جرائم سایبری بلکه در ارتکاب جرائم سنتی نیز استفاده می‌کنند (Ashour & Afan, 2023, 220). حوزه عملکرد نهادهای مجری قانون در امر استفاده از فناوری، برخلاف مجرمان، محدود به قوانینی است که چگونگی عملکرد آنها را چهارچوب بندی می‌کند. بنابراین، پویایی قانون‌گذاری^۲ از الزامات تأمین امنیت، حاکمیت قانون و دفاع از حقوق شهروندان در عصر فناوری اطلاعات و ارتباطات است تا از این طریق بیش از اینکه فناوری در مقابل قانون قرار گیرد، در خدمت آن باشد.

ادله الکترونیک^۳ که در نتیجه پیشرفت‌های فناوری اطلاعات و ارتباطات ظهور کرده است، چهارچوب قانونی آن و همین‌طور زیرساخت‌های فناورانه لازم برای پردازش آن در فرآیند دادرسی، توجه حقوقدانان را جلب نموده است. بحران همه‌گیری کرونا^۴ باعث تشدید این توجه گردید.^۵ زیرا، برگزاری دادرسی از راه دور (دادرسی الکترونیک^۶) به‌وسیله فناوری الزام اراده ادله به‌صورت الکترونیک اعم از شهود و مطلعان، اقرار، سوگند، کارشناسی و درنهایت جمع‌آوری قرائن و امارات برای رهنمون‌سازی قاضی به قناعت وجدان را به همراه دارد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. ر.ک به اصل ۳۸ قانون اساسی (۱۳۵۷) ج.۱. ایران و ماده ۶۰ قانون آیین دادرسی کیفری (۱۳۹۲) ج.۱. ایران که طبق مفاد مقررات مذکور اقرار ناشی از شکنجه را بی اعتبار و عوامل دخیل در آن را مستوجب تعقیب کیفری اعلام کرده است. همچنین، ر.ک به ماده ۲۹ و ۳۰ قانون اساسی (۱۳۸۲) ج.۱. افغانستان که نه تنها شکنجه بلکه اکراه را نیز عامل ابطال دلیل حاصل شده تعریف کرده است. در حقوق بین الملل بر اساس ماده ۳ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر (۱۹۵۰)، ماده ۷ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی (۱۹۶۶) و ماده ۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸) شکنجه ممنوع گردیده است.

۲. پویایی قانون‌گذاری، اصطلاحی برای نشان دادن میزان تغییرات، اصلاحات و نوآوری قانونگذارانه در یک دولت-ملت در بازه زمانی مشخص است.

3. Electronic evidence

4. COVID-19 pandemic

۵. برای مشاهده پژوهش‌های مربوطه ن.ک به:

(Baldwin et al., 2020; Bannon & Keith, 2021; de Vocht, 2022; Jossie et al., 2022; Legg, 2021)

6. Electronic trial (E-trial)

اقرار یکی از مهم‌ترین ادله است (Thienel, 2006, 206) و در حقوق کیفری ایران و افغانستان جایگاه ویژه دارد.^۱ تا قبل از ظهور فناوری اطلاعات و ارتباطات، امکان ارائه اقرار از راه دور وجود نداشت. اما اکنون، این امکان به وجود آمده است که اقرار به وسیله فناوری از راه دور ارائه گردد.

این نوشتار به مطالعه جایگاه اقرار کیفری الکترونیک در حقوق ایران و افغانستان می‌پردازد، پرسشی که عهده‌دار پاسخ آن شده است، چالش‌های مربوط به سنجش اعتبار حقوقی اقرار کیفری الکترونیک شامل ضرورت یا عدم ضرورت حضور جسمی متهم به هنگام اقرار نزد قاضی با استنباط از قوانین و رویه قضایی فعلی و فقد لوازم کافی برای ارائه اقرار از راه دور است. برای پاسخ به پرسش طرح شده، روش تحقیق توصیفی-تحلیلی با استفاده از منابع کتابخانه‌ای سنتی و دیجیتال به کار برده می‌شود. فرضیه پژوهش که در محتوی به تائید یا رد آن پرداخته می‌شود، امکان بهره‌گیری از اقرار کیفری الکترونیک مستند به متون قانونی در ایران و قابلیت اعمال آن در حقوق افغانستان است که ضمن وجود یک سری از پژوهش‌های مرتبط به موضوع (الهی منش و تبریزی، ۱۳۹۷؛ گیلاکجانی، ۱۳۹۵؛ مفرد، ۱۳۹۶؛ موذن زادگان، ۱۴۰۱) تاکنون مورد مطالعه تطبیقی قرار نگرفته و مشخصاً به پرسش این نوشتار پاسخ داده نشده است.

نخست مفهوم‌شناسی اقرار کیفری الکترونیک ارائه می‌گردد. سپس اعتبارشناسی آن در حقوق ایران و افغانستان بیان می‌گردد و در نهایت با طرح الزامات قانون‌گذاری و اجرایی، عملکرد هر دو کشور مورد ارزیابی قرار گرفته و در نتیجه‌گیری منعکس می‌شود.

۱. مفهوم ادله الکترونیک؛ اقرار با قید الکترونیک

پدیده نوظهور همراه با خود، مفاهیم نو ایجاد می‌کند. ادله کیفری الکترونیک^۲ و به تبع آن اقرار کیفری الکترونیک^۳ از مفاهیم نو در حقوق کیفری به حساب می‌آید و ارائه تعریف آن در مباحث مربوطه امری الزامی است. دلیل که صورت جمع آن ادله است، در لغت به معنای راهنما، راه، طریق، جهت، سبب، دلالت‌کننده، هدایت‌کننده و آنچه برای اثبات امری استعمال می‌شود (دهخدا، ۱۳۷۷: ۱۱۰۶۳؛ معین، ۱۳۸۶: ۶۹۲). در فرهنگ حقوقی بلک آمده است که «دلیل چیزی (اعم از شواهد، اسناد و اشیای ملموس) است که واقعیت یک ادعا را اثبات یا رد می‌کند.» (Black, 2009, 635)

«واقعیت یک ادعا» امری است که ارائه «دلیل» موجب شناخت نسبت به آن می‌گردد و به قاضی این امکان را می‌دهد که با پذیرش یا رد دلیل ارائه شده، درباره اثبات یا رد اتهام کیفری تصمیم بگیرد یا خواستار ارائه ادله دیگر یا بیشتر شود. در حقوق کیفری ایران و افغانستان تعریفی از ادله (دلیل) ارائه نشده است. اما، در ماده (۱۶۰) قانون مجازات اسلامی ایران (مصوب ۱۳۹۲)، ادله

۱. در ماده ۱۶۰ قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲) ایران و ماده ۱۹ قانون اجرائات جزایی (۱۳۹۲) افغانستان، به ترتیب احصاء ادله، اقرار در رأس قرارداد که نشان دهنده اهمیت و کاربرد آن از منظر قانونگذار هردو کشور است.

2. Criminal electronic evidence

3. Criminal electronic confession

کیفری احصا شده که اقرار، شهادت، قسامه، سوگند و علم قاضی است. همین طور، در ماده (۱۹) قانون اجرائی جزایی افغانستان (مصوب ۱۳۹۲)، ادله کیفری احصا شده که اقرار، شهادت، اسناد و قرائین و امارات است.

در حقوق کیفری ایران، به تبع عدم تعریف ادله کیفری، تعریفی از ادله کیفری الکترونیک وجود ندارد (مؤذن زادگان و شایگان، ۱۳۸۸: ۸۰). همین طور، در حقوق کیفری افغانستان نیز تعریفی از آن ارائه نشده است. عدم تعریف ادله کیفری الکترونیک از نقاط ضعف حقوق کیفری هر دو کشور محسوب می شود که نیازمند قانون گذاری است.

از آنجاکه تعریف قانونی از ادله کیفری الکترونیک در حقوق ایران و افغانستان وجود ندارد، باید به منابع علمی ارجاع داد. اگرچه، بنابر اصل، ادله الکترونیک و همین طور ادله کیفری الکترونیک مشمول این تعریف از ادله: «دلیل چیزی است که واقعیت یک ادعا را اثبات یا رد می کند» می شود، ارائه تعریف از آن به عنوان یکی از گونه های ادله ایرادی ندارد. در منابع علمی تعریف های متعددی از ادله الکترونیک ارائه شده است.

برخی گفته اند که «دلیل الکترونیک، هر داده پیامی است که اصحاب دعوا برای اثبات یا دفاع از دعوا به آن استناد می نمایند.» (شهبازی نیا و عبداللهی، ۱۳۸۹: ۱۹۴) این تعریف دربرگیرنده امور کیفری و مدنی است. با طرح ایراد عدم شمولیت نرم افزار و سخت افزار، در تعریف دیگری اما متمرکز بر امور کیفری آورده شده است که «هرگونه داده یا نرم افزار یا سخت افزار الکترونیکی که بتواند اطلاعات ارزشمندی در راستای اثبات ادعا، دفاع، کشف جرم، یا استدلال قضایی به دست دهد، دلیل الکترونیکی محسوب است.» (حیدری نژاد، ۱۳۹۶: ۱۲۶). همچنین، در تعریف دیگری آمده است که «دلیل الکترونیک هر داده ای ناشی از خروجی^۱ ابزار آنالوگ و یا دیجیتال است که ارزش اثباتی دارد و به وسیله ابزار الکترونیک پردازش، ذخیره و یا منتقل شده است.» (Mason & Seng, 2021, 40).

واژه کلیدی در تعریف های مزبور از ادله کیفری الکترونیک، «داده» است. «داده» به عنوان واژه زبان فارسی، در فرهنگ لغت دهخدا به معنای دادن، مبدول و بخشیده آمده است (دهخدا، ۱۳۷۷: ۱۰۲۶۰). «داده» به عنوان یکی از واژگان زبان فارسی با داده^۲، به عنوان معادل، متفاوت است و با یکدیگر ارتباطی، به جز از اشتراک در لفظ ندارند. در پرتو علم ریشه یابی واژگان،^۳ «داده» واژه لاتینی و صورت جمع واژه «دهتم»^۴ است که به معنای تیکه ای از اطلاعات^۵ آمده است؛ از این رو، داده تیکه هایی از اطلاعات است. همچنین، در فرهنگ معاصر بزرگ انگلیسی-فارسی حمیم به معنای «اطلاعات و سوابق» ترجمه شده است (حمیم، ۱۳۸۳: ۱۸۴).

1. Output
2. Data
3. Etymology
4. Datum
5. Information

داده و اطلاعات متفاوت اند؛ مفهوم و ترجمه داده نه به معنای «اطلاعات» که به معنای «تیکه‌هایی از اطلاعات» درست است. بنابراین، داده الکترونیک و دیجیتال به عنوان دلیل در تعریف مختار اخیر مزبور، به طور کلی دربرگیرنده متن و صوت و تصویر به عنوان تیکه‌هایی از اطلاعات است. داده الکترونیک به عنوان دلیل می‌تواند مشتمل بر تحقق یکی از ادله کیفری (اقرار) باشد. اقرار به معنای قراردادن چیزی در محل خود (زراعت و حاجی زاده، ۱۳۹۰: ۱۷۹)، ثبوت و اعتراف آمده است (حسین، ۲۰۰۴: ۲۷۷؛ دهخدا، ۱۳۷۷: ۳۱۱۸). در علم حقوق، اقرار در دو سطح عام و خاص مطرح است. در سطح عام «اقرار، اخبار مقرر به تحقق امری است که علیه شخص وی واجد آثار قانونی است» (گلدوزیان، ۱۳۹۳: ۳۳۲). این تعریف دربرگیرنده امور مدنی و کیفری است. در سطح خاص که اینجا متمرکز بر حقوق کیفری است، اقرار «عبارت از اظهاراتی است (شفاهی و یا کتبی) که طی آن ذینفع صحت تمام یا جزئی از اتهامات وارده علیه خود را تأیید می‌نماید» (گلدوزیان، ۱۳۹۳: ۳۳۲) یا «اعتراف به ارتکاب وقایعی است که تمام یا بخشی از ارکان جرم را تشکیل می‌دهد» (زراعت و حاجی زاده، ۱۳۹۰: ۱۷۹).

اقرار در حقوق کیفری ایران در ماده ۱۶۴ قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۹۲) تعریف شده است: «اقرار عبارت از اخبار شخص به ارتکاب جرم از جانب خود است». در حقوق کیفری افغانستان، اقرار در بند ۳۵ ماده ۴ قانون اجرائات جزایی (مصوب ۱۳۹۲) تعریف شده است: «اقرار به جرم عبارت است از اعتراف متهم با رضایت کامل و در حالت صحت عقل، در حضور محکمه با صلاحیت».

در حقوق کیفری ایران و افغانستان تعریفی از اقرار کیفری الکترونیک ارائه نشده است. از آنجاکه «تعریف» در قوانین از عناصر مهم استدلال حقوقی به حساب می‌آید (Macagno, 2010)، از ماده ۱۶۴ قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۹۲) ایران و بند ۳۵ ماده ۴ قانون اجرائات جزایی (مصوب ۱۳۹۲) افغانستان این نتیجه احراز می‌شود که تعریف ارائه شده توسط آنها، اقرار کیفری الکترونیک را با لحاظ وسیله کسب اقرار نیز پوشش می‌دهد. به این ترتیب، اقرار کیفری الکترونیک را می‌توان «اخبار شخص به ارتکاب جرم یا بخشی از آن از جانب خود به وسیله فناوری اطلاعات و ارتباطات» تعریف کرد.

۱-۱. اعتبار اقرار کیفری الکترونیک

اعتبار اقرار به عنوان یکی از ادله در حقوق کیفری اسلامی بر اساس قرآن و سنت و عقل ثابت است. در قرآن کریم فرموده شده که «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ وَلَوْ عَلَى أَنْفُسِكُمْ...» ترجمه؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، (در همه امورتان) به کمال و دوام قیام کننده به عدل و گواهی دهنده برای خدا باشید هر چند به زیان خودتان باشد» (سوره نساء آیه ۱۳۵). به علاوه، در پرونده ماعز، وی نزد پیامبر (ص) آمد و اقرار کرد که مرتکب زنا شده است، در نتیجه چهار مرتبه اقرار محکوم به رجم (سنگسار)

گردید.^۱ چون اقرار به ضرر مقرر تمام می‌گردد، فرض بر این است که عاقل به ضرر خود رأی نمی‌دهد، به همین خاطر اقرار عاقل به ضرر خود جایز دانسته شده است.^۲

از آنجاکه نظام حقوقی ایران و افغانستان تابع دین اسلام است، اعتبار اقرار در حقوق کیفری هر دو کشور ثابت است. کارکرد اقرار «انتقال اطلاعات» است. اطلاعات موضوع اقرار کیفری اخبار از نقض قوانین کیفری از جانب مقرر است. روش سنتی و غالب در دادرسی این است که متهم به نحو جسمی یا ملموس در جریان تحقیقات به هنگام بازجویی نزد مقامات انتظامی یا بازپرس و یا قضات دادگاه نسبت به انتساب جرم به خود اقرار می‌کند، اما فناوری اطلاعات و ارتباطات این امکان را به وجود آورده است که اقرار از راه دور بدون حضور جسمی نزد مراجع مذکور نیز ارائه گردد. آنچه مسئله است، چگونگی پذیرش این امر در حقوق کیفری ایران و افغانستان است. به این منظور، اعتبار اقرار کیفری الکترونیک بر اساس سه مبنای پذیرش آن در همه حالت به موجب قانون، وجود عذر مقرر و حالت اضطرار او برای عدم حضور جسمی مطالعه می‌گردد.

۱-۲. اعتبارسنجی اقرار الکترونیک به جایگزینی اقرار سنتی

برخی از تعاریف برای توصیف معنای یک اصطلاح استفاده می‌شود. «قتل، کشتن غیرقانونی یک انسان توسط دیگری است، به‌ویژه با سوءنیت از پیش برنامه‌ریزی شده»، درحالی‌که برخی دیگر معنای جدیدی را ایجاد می‌کند. یک مثال واضح را می‌توان در قراردادهای یافت، جایی که طرفین معانی جدیدی را برای اصطلاحات خاص مورد استفاده در قراردادهای خود ایجاد می‌کنند (Macagno, 2010, 200). از آنجاکه قانون‌گذاری زیربنای اجتماعی و چگونگی تعامل اعضای آن را چهارچوب‌بندی می‌کند؛ بخش مهمی از قوانین را «تعریف» تشکیل می‌دهد. تعریف با توضیح واژه‌ها و اصطلاحات، عملکرد و حدود کاربرد آنها را تنظیم می‌کند. بنابراین، برای احراز اعتبار اقرار کیفری الکترونیک به عنوان جایگزین سازی آن به جای اقرار سنتی در حقوق ایران و افغانستان این موضوع قابل بررسی است.

چنان‌که گفته شد، اقرار در ماده ۱۶۰ قانون مجازات اسلامی ایران (۱۳۹۲) به عنوان یکی از ادله اثبات بدون ضرورت حضور جسمی مقرر در دادگاه مورد پذیرش واقع شده است. برخلاف قانون‌گذار ایران، قانون‌گذار افغانستان یکی از شرایط پذیرش اقرار را ضرورت «حضور مقرر در محکمه با صلاحیت» دانسته است (بند ۳۵، ماده ۴، قانون اجرائات جزایی ۱۳۹۲). در این کشور تصریح قانونی مبنی بر پذیرش آن از طریق سامانه‌های الکترونیک وجود ندارد. اما در حقوق ایران، اقرار کیفری الکترونیک با همان مفهوم مذکور در ماده ۱۶۰، در ماده ۶۵۹ قانون آیین دادرسی کیفری (۱۳۹۲) به جایگزینی اقرار کیفری سنتی پذیرفته شده است.

۱. ابهریره می‌گوید ماعز بن مالک خدمت پیامبر (ص) رسید و به او گفت من زنا کردم؛ پیامبر از او روی گرداند. باز گفت من زنا کردم؛ دوباره از او روی گرداند. سپس تکرار کرد؛ این بار هم پیامبر از او روی گردانید. او پس از این که چهار مرتبه اقرار به زنا کرد، پیامبر دستور رجم او را صادر کرد و او را سنگسار نمود. همین که مورد اصابت سنگ‌ها قرار گرفت، پشت کرد و پا به فرار گذاشت. فردی که استخوان شتری را در دست داشت، پس از آن که به او رسید آن را بر او کوبید و مرد. جریان را به پیامبر (ص) خبر دادند. حضرت فرمود چرا او را رها نکردید (ابن ماجه، سنن، حدیث ۲۵۵۴).

۲. الإقرار العقلاء علی أنفسهم جائز

این ماده مقرر می‌دارد، «به‌کارگیری سامانه‌های ویدئو کنفرانس و سایر سامانه‌های ارتباطات الکترونیک به‌منظور تحقیق از اصحاب دعوی، اخذ شهادت از شهود یا نظرات کارشناسی در صورتی مجاز است که احراز هویت، اعتبار اظهارات فرد مورد نظر و ثبت مطمئن سوابق صورت پذیرد». بدیهی است تحقیق از اصحاب دعوی که یکی از آنها متهم است، می‌تواند نتیجه آن، اقرار او در سامانه‌های مذکور به‌طور مطلق یا در همه حالات باشد.

۱-۳. اعتبارسنجی بر مبنای درخواست مقرر

بنابر روش سنتی و غالب، اقرار مقرر با حضور جسمی او در دادگاه صورت می‌گیرد. اما چنان‌که دیدیم، فناوری اطلاعات و ارتباطات سهولت ارائه اقرار از راه دور را فراهم ساخته و طرف دعوی در صورتی که خواهان اقرار بدون حضور جسمی در دادگاه باشد، می‌تواند از آن استفاده نماید. مبنای درخواست ارائه اقرار از راه دور (الکترونیک) توسط مقرر می‌تواند، متعدد و مختلف باشد که در رأس آنها «امنیت متهم»، «بیماری شدید متهم» برای حضور نزد قاضی و «شرم اجتماعی ناشی از حضور جسمی» قرار دارد.

از کارکردهای آیین دادرسی کیفری، دفاع از حقوق متهم است که این امر شامل امنیت او می‌شود. موارد متعددی در سراسر جهان وجود دارد که به متهم در حین دادرسی حمله شده است. به‌عنوان نمونه، در دادگاهی در تگزاس^۱ آمریکا، اعضای خانواده قربانی به متهم (جرم قتل) حمله کردند که به درگیری انجامید و با دخالت مأموران دادگاه پایان یافت؛ اما چهار تن از اعضای خانواده قربانی به‌خاطر ایجاد اختلال در فرآیند دادرسی و آسیب‌رسانی به متهم تحت تعقیب قرار گرفتند (Texas Murder Suspect Attacked by Victim's Family inside Courtroom, 2023). درحالی‌که قاضی در حین دادرسی حکم اعدام را برای قاتل سریالی اوهایو^۲ آمریکا ابلاغ می‌داشت، پدر مقتول به قاتل حمله کرد که در نتیجه آن در دادگاه اختلال ایجاد شد و با دخالت مأموران دادگاه درگیری پایان یافت (Father Attacks Daughter's Killer, 2016). بنابراین، برای دفاع از حقوق متهم، خصوصاً امنیت او لازم است که در پرونده‌هایی حساس (به‌ویژه قتل) در صورت تمایل متهم به اقرار، ارائه آن به‌صورت الکترونیک صورت گیرد تا در راه دادگاه و حین دادرسی مورد حمله قرار نگیرد.

بیماری متهم از مواردی است که به‌خاطر عدم امکان حضور او در دادگاه باعث اطاله دادرسی می‌گردد. در مواردی که ضرورت بازجویی متهم وجود داشته باشد، ولی به‌خاطر بیماری وخیم نتواند در دادگاه حاضر شود، می‌تواند با ارائه بازجویی و امکان اقرار از راه دور از اطاله دادرسی بکاهد.

در پرونده می‌ری‌لند در برابر کریگ، دادگاه عالی آمریکا^۳ اجازه داد که با کنار زدن اصل تقابل مدافع-مدعی، برای حمایت از سلامت روانی قربانی، اظهارات او از راه دور توسط ویدئو کنفرانس ارائه گردد (Maryland v. Craig, 1990). ازاین‌جهت،

1. Texas

2. Ohio

3. U.S. Supreme Court

حمایت از حق سلامت متهم نیز به اندازه حق سلامت قربانی مهم است و در صورت تمایل او به ارائه بازجویی از راه دور و امکان اقرار الکترونیک، پذیرش آن بلامانع است.

از آنجاکه اجتماع استوار بر یک سری از ارزش‌هاست، نقض آنها واکنش اجتماع را به همراه دارد. واکنش اجتماع می‌تواند رسمی (دادرسی) و غیررسمی (کاهش تعامل با ناقض ارزش) باشد. در این میان، پدیده‌ای با عنوان «شرم» خلق می‌شود که در هر دو نوع واکنش (رسمی و غیررسمی) شامل است. این از آن جهت است که شرم به عنوان راهبرد جهت پاسداری از ارزش‌های اجتماع کاربرد داشته است (Judith Rowbotham, Marianna Muravyeva, 2013, 17).

در فرآیند دادرسی، شرم ناشی از ارتکاب جرم به حیث فشار عمل می‌کند و بر تمایل فرد (متهم در فرآیند دادرسی) برای اقرار و حل پرونده کیفری اثر منفی می‌گذارد. حضور اعضای خانواده متهم و قربانی و مردم در دادگاه نیز فشار ناشی از شرم را چند برابر می‌سازد. بنابراین، در مواردی که متهم تمایل به بازجویی از راه دور دارد، توصیه می‌شود، تمام امکانات لازم فراهم گردد و با درخواست او موافقت صورت گیرد.

درباره متعذر بودن مقر در قوانین کیفری ایران و افغانستان که مبنای ارائه اقرار از راه دور قرار گیرد، موادی یافت نگردید. موضوع نزدیک به این امر، متعذر بودن شاهد و ارائه شهادت از راه دور با استفاده از فناوری است. شهادت کیفری الکترونیک در صورت وضعیت مذکور، در حقوق کیفری ایران مورد پذیرش واقع شده است. مستند این ادعا ماده ۱۸۶ قانون مجازات اسلامی ایران (۱۳۹۲) است. در ماده مزبور آمده است که «چنانچه حضور شاهد متعذر باشد، گواهی به صورت مکتوب، صوتی، تصویری زنده و یا ضبط شده با احراز شرایط و صحت انتساب معتبر است».

مطالعه مواد ۲۵-۴۳ مربوط به شهادت در قانون اجرائات جزایی افغانستان (مصوب ۱۳۹۲) نشان می‌دهد که شهادت کیفری الکترونیک در حقوق کیفری افغانستان به صراحت مورد پذیرش واقع نشده است. در ماده ۳۳ قانون مزبور آمده است که «... (۲) هرگاه شاهد به سبب مریضی، کبر سن یا عذر موجه دیگر حاضر شده نتواند، دادستان یا محکمه ذیصلاح اظهارات و شهادت شاهد را در محل سکونت وی یا محل مناسب دیگر، استماع و ثبت می‌نماید.» این در حالی است که قانون‌گذار افغانستان با اشراف بر پیشرفت فناوری اطلاعات و ارتباطات، ضبط صوتی-تصویری را به عنوان دلیل پذیرفته است (بند ۵ ماده ۱۹ قانون اجرائات جزایی، ۱۳۹۲).

بنابر صراحت قانون‌گذار ایران در خصوص پذیرش شهادت کیفری الکترونیک با تعذر شاهد در حضور جسمی نزد مقام قضایی، از طریق تنقیح مناط و اینکه مقنن ایران تحقیق الکترونیک از راه دور و امکان اخذ اقرار الکترونیک را به طور مطلق پذیرفته است. بنابراین، در خصوص تعذر متهم به لحاظ بیماری یا شرم حضور جسمی، امکان تحقق اعتبار اقرار الکترونیک در حقوق ایران امری مسلم است.

در افغانستان، نه تنها اقرار کیفری الکترونیک در صورت متعذر بودن مقر مورد پذیرش واقع نگردیده، بلکه شهادت کیفری الکترونیک نیز در صورت متعذر بودن شاهد پذیرش نشده است و کارگزار قضایی تکلیف دارد در صورت تعذر، نزد شاهد حضور

جسمی یابد و شهادت او را ثبت کند. با این حال، چنان‌که گفته شد، در حقوق این کشور امکان استفاده از ضبط صوتی-تصویری به‌عنوان دلیل (تنها در صورتی که از طریق اقدامات مخفی کشفی به دست آمده باشد) وجود دارد و ادله کیفری به‌گونه تمثیلی احصاء شده است.

۱-۴. اعتبارسنجی بر مبنای اضطراب

یکی دیگر از مبانی ارائه اقرار از راه دور، حوادثی از قبیل همه‌گیری کرونا است. همه‌گیری کرونا با تأکید بر قرنطینه «در خانه بمانید» باعث ایجاد چالش برای دادرسی حضوری و ضرورت به‌کارگیری از دادرسی الکترونیک در سراسر جهان گردید (Jossie et al., 2022, 1248). این امر منجر به افزایش استفاده از فناوری در دادگاه‌ها شد. نظام‌های کیفری در سراسر جهان با استفاده از ویدئوکنفرانس و روش‌های دیگر برای ارتباط چهره به چهره سعی کردند تا حد امکان از تعداد افرادی که به‌صورت حضوری به دادگاه مراجعه می‌کنند، بکاهند (de Vocht, 2022, 34). به‌عنوان نمونه، در آمریکا برخی از دادگاه‌ها دادرسی را به‌طور کامل الکترونیک ساختند، اما برخی دادگاه‌هایی دیگر دادرسی حضوری را با رعایت نکات بهداشتی محدود به پرونده‌هایی ضروری ساختند.

یک سری از دادگاه‌هایی دیگر، دادرسی حضوری و الکترونیک را ترکیب کردند (Baldwin et al, 2020, 746). شدت حالت اضطراری ناشی از همه‌گیری کرونا به حدی بود که دادگاه عالی آمریکا نیز برای اولین بار در تاریخ وادار شد که دادرسی الکترونیک را تجربه کند (Howe, 2020; Hurley & Chung, 2020). پژوهش‌هایی مختلفی که پسا همه‌گیری کرونا درباره آثار این بحران بر دادرسی انجام شده، تأکید بر افزایش نقش و کاربرد فناوری در فرآیند دادرسی دارند تا در حالت‌های اضطراری همچون همه‌گیری کرونا حاکمیت قانون، دسترسی مردم به حقوق و آزادی با چالش مواجه نگردد (Bannon & Keith, 2021; Legg, 2021; Viglione et al., 2023).

فناوری اطلاعات و ارتباطات در نظام کیفری ایران جایگاه خود را یافته (مؤذن‌زادگان، ۱۴۰۱: ۱۸) و دادرسی الکترونیک و ادله الکترونیک از جمله اقرار الکترونیک در حالت اضطراب به‌تبع تصدیق آن در همه حالات مورد پذیرش واقع شده است. این موضوع با تنقیح مناط از مفاد ماده ۲۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری (۱۳۹۲) نیز قابل استنباط است.

به استناد این ماده، حالت اضطراب برای حضور شاهد یا مطلع به نحو جسمی از حیث بیم خطر جانی یا حیثیتی و یا ضرر مالی نسبت به او یا خانواده‌اش، امکان استماع اظهارات شاهد یا مطلع در خارج از دادسرا با وسایل ارتباط از راه دور یا اعمال دادرسی الکترونیک پذیرفته شده است. لذا با توجه به تنقیح مناط از ماده ۲۱۴ و همچنین صراحت ماده ۶۵۹ پیش‌گفته در قانون آیین دادرسی (۱۳۹۲) که به‌کارگیری ویدئوکنفرانس را برای تحقیق از اصحاب دعوی و شهود به‌صراحت پذیرفته است، موضوع تحقیق از متهم که می‌تواند نتیجه آن اقرار الکترونیک او به ارتکاب جرم باشد، در حالت اضطراب امری مسلم است.

برخلاف حقوق کیفری ایران، فناوری اطلاعات و ارتباطات در حقوق کیفری افغانستان جایگاهی ندارد و در مواجهه با حالت اضطرار همچون همه‌گیری کرونا از منظر قانونی، دارای خلأ قانونی است. با وجود این، در اوایل سال ۱۳۹۹ دادگاه عالی افغانستان (در مواجهه با همه‌گیری کرونا) سندی را تحت عنوان «طرز العمل محاکمه آنلاین» تدوین و تصویب کرد که این امر نه تنها بر بنیاد اصل تفکیک قوا دخالت در امور قانون‌گذاری به حساب می‌آمد، بلکه قابلیت اجرایی شدن از جهت فقدان زیرساخت‌های لازم را نیز نداشت.

۲. حضور جسمی مقرر در دادگاه؛ موضوعیت یا طریقت

در تبصره ۲ ماده ۱۱۹ قانون آیین دادرسی کیفری ایران (۱۳۹۲) در ذیل موضوع نیابت قضایی آمده است که «در مواردی که اقرار متهم ... مستند رأی دادگاه باشد، استماع آن توسط قاضی صادرکننده رأی الزامی است.» همچنین در تبصره ۲ ماده ۲۱۸ قانون مجازات اسلامی ایران (۱۳۹۲) در ذیل مبحث حدود اسلامی آمده است که «اقرار در صورتی اعتبار شرعی دارد که نزد قاضی در محکمه انجام گیرد.» جمع مواد قانونی مذکور به این نتیجه برمی‌گردد که در حقوق کیفری ایران در خصوص امر نیابت قضایی و جرائم مستوجب حدود، اقرار مبنی بر حضور جسمی در دادگاه موضوعیت دارد.

در حقوق کیفری افغانستان، درباره اقرار مواد قانونی چندانی وجود ندارد. در بند ۳۵ ماده ۴ قانون اجرائات جزایی (۱۳۹۲) آورده شده که «اقرار به جرم عبارت است از اعتراف متهم ... در حضور محکمه با صلاحیت». ارائه این تفسیر تهی از ارزش نیست که منطق قانون‌گذار افغانستان از قید «حضور در محکمه با صلاحیت» که آن را در تعریف مزبور ذکر کرده ناظر بر صلاحیت دادگاه‌ها است و هدف از کاربرد واژه «حضور» در واقع تأکید بر «مراجعه» مقرر به دادگاه صالح و نقض «رأی دادگاه غیر صالح بر اساس اقرار مقرر» است.

در تفسیر دیگری، می‌توان گفت قید مزبور ناظر بر حضور جسمی مقرر در دادگاه است و به این ترتیب، در حقوق کیفری کشور مذکور به‌طور مطلق در اثبات کلیه جرائم اقرار متهم نزد دادگاه به‌نحو جسمی همانند حقوق ایران در اثبات حدود و موضوع نیابت قضایی موضوعیت دارد. لذا، این چالشی است که در موضوع اعتبار اقرار الکترونیک که از راه دور و بدون حضور جسمی متهم اخذ می‌شود قابل مشاهده است.

در پاسخ به این پرسش می‌توان گفت: در دادرسی الکترونیک که بنابر اصل بر تماس صوتی-تصویری فناورانه مبتنی است و در آن قضات، مشاور قضات، دادستان، متهم و وکیل مدافع متهم و ... یکدیگر را مشاهده و باهم تعامل می‌کنند، باینکه مقرر در جلسه مزبور حضور جسمی ندارد، اما حضور دارد. اصولاً آنچه در دادرسی الکترونیک واقع می‌شود، گرد هم آمدن افراد مرتبط با دعوا در فضای مشترک است، اما بدون همراهی بدن‌های آنها، به این معنا که می‌توان از حضور فکری-ذهنی و از غیبت جسمی آنها سخن گفت (سرخوش منجق تپه و داودی گرمارودی، ۱۳۹۸: ۶۳)؛ ولی نمی‌توان این حضور را زیر سؤال قرارداد، همان‌گونه که نمی‌توان حضور برای خرید برخط از فروشگاه‌های اینترنتی را زیر سؤال قرارداد.

به‌علاوه، فلسفه حضور جسمی متهم در دادگاه بیش از اینکه ناظر بر ضرورت حضور جسمی متهم باشد، ناظر بر تشکیل جلسه قضایی، صیانت از حقوق متهم (خصوصاً حق دفاع) است. در پرونده‌هایی که اقرار متهم نزد بازپرس و دادستان به‌عنوان تنها دلیل موجود به دادگاه ارائه می‌شود، متهم این حق را دارد که در حضور قاضی اقرار مزبور را خواه جسمی یا الکترونیک اخذ شده باشد، معیوب و نقض کند و دادستان را به چالش بکشد و حتی با این حرکت از دادگاه تبرئه حاصل کند.

به‌عنوان نمونه، در تحقیق مربوط به پرونده «شهربانو» و نه پرونده دیگر در ایران ثابت شده که متهمان در نتیجه شکنجه و فشار جسمی و روانی ناشی از تحقیقات، اقرار به ارتکاب جرم کرده‌اند و اقرار آنها به‌عنوان تنها دلیل به دادگاه ارائه شده، اما در دادگاه از اقرار خود رجوع کرده‌اند (غلاملو، ۱۳۹۷). بنابراین، انحصار معنایی «حضور متهم» به «حضور جسمی متهم» و «حضور در دادگاه» به «حضور جسمی در دادگاه» یا نزد قاضی معقول به نظر نمی‌رسد و این مفهوم بیش از هر چیز ناظر بر صیانت از حقوق متهم است. با این حال، مهم است که اقرار متهم از راه دور، محصول رعایت اصول دادرسی منصفانه باشد در غیر این صورت در جهت خلاف عدالت قرار می‌گیرد. زیرا چنان‌که در ذیل ماده ۶۵۹ قانون آیین دادرسی کیفری (۱۳۹۲) آمده است، اقرار الکترونیک در صورتی اعتبار دارد که با احراز هویت متهم و ثبت مطمئن سوابق همراه باشد.

۳. لوازم اعتبار اقرار کیفری الکترونیک

قانون‌گذاری در هر حوزه یک سری از الزامات مادی و معنوی را به همراه دارد. تصویب قانون بدون در نظر داشت الزامات آن باعث ضعف اجرایی و متروک شدن قانون می‌گردد. قانون‌گذاری در حوزه حقوق مدنی نیازمند نیروی انسانی متخصص در حقوق مدنی، همین‌طور قانون‌گذاری در حوزه حقوق کیفری نیازمندی نیروی انسانی متخصص در حقوق کیفری است. اما، قانون‌گذاری در حوزه حقوق کیفری مربوط به فناوری اطلاعات و ارتباطات، به‌ویژه در حوزه ادله کیفری الکترونیک، نه تنها نیازمند نیروی انسانی متخصص از رشته‌های مختلف بلکه، نیازمند یک‌سری از زیرساخت‌های فناوری نیز است. این زیرساخت‌ها شامل قانون‌گذاری در خصوص تربیت نیروهای انسانی کارآمد، لوازم اجرایی ناظر به تشکیل نهادهای ذیربط، سامانه‌های مدرن لازم در فضای مجازی و تجهیز دادگاه‌ها با فناوری اطلاعات و ارتباطات است.

۳-۱. لوازم قانون‌گذاری

هر حوزه علمی و عملی نیروی انسانی متخصص و مختص به خود را دارد. به همین‌سان، قانون‌گذاری به نیروی انسانی متخصص نیاز دارد (Cohen, 2018). میزان اهمیت تخصص نیروی انسانی در این حوزه، خصوصاً در حوزه قانون‌گذاری کیفری به‌طور ویژه به‌خاطر تأثیر آن بر حقوق و آزادی مردم و حتی زندگی و مرگ آنها است. به همین جهت، می‌توان چگونگی نظم و امنیت جوامع را انعکاسی از کیفیت قوانین آنها پنداشت. این امر ایجاب می‌کند که قانون‌گذاری در خصوص ادله کیفری الکترونیک به‌ویژه اقرار محصول کار گروهی از انسان‌ها با تخصص‌های مختلف اما مرتبط باشد که مهم‌ترین آن‌ها به شرح زیر است.

۳-۱-۱. حقوقدانان

حقوقدانان، خصوصاً حقوقدانان کیفری می‌توانند با استفاده از آگاهی از اسناد ملی و بین‌المللی و قوانین کشورهای دیگر نقطه آغاز قانون مربوط به ادله کیفری الکترونیک باشند. دانش و تجربه‌ای را که این حقوقدانان در طول سال‌ها مطالعه و تدریس و تحقیق تحصیل کرده‌اند و حمل می‌کنند، کارایی و تأثیرات فراوانی در خصوص افزایش کیفیت و دقت در امر قانون‌گذاری ادله کیفری الکترونیک دارد.

۳-۱-۲. کارشناسان فناوری

کارشناسان فناوری اطلاعات و ارتباطات نقش مهمی در خصوص چگونگی تعریف و کاربرد مفاهیم فناوریانه در قانون مربوط به ادله کیفری الکترونیک دارند. به عبارت دیگر، بخشی مهمی از بنیاد مواد قانونی ادله کیفری الکترونیک را کارشناسان فناوری اطلاعات و ارتباطات می‌گذارند.

قانون‌گذاران از جهت تحصیل در رشته حقوق وارد قانون‌گذاری می‌شوند، به‌طور تخصصی دانش و تجربه‌ای فناوریانه ندارند. از این جهت، اگر بدون وجود کارشناسان مزبور، اقدام به وضع مواد قانونی مربوط به ادله کیفری الکترونیک نمایند، بدون تردید آن مواد قانونی با ضعف و چالش‌های زیادی مواجه خواهد شد. از این رو، در کنار حقوقدانان، وجود کارشناسان فناوری اطلاعات و ارتباطات در امر قانون‌گذاری ادله کیفری الکترونیک به‌ویژه اعتبار اقرار الکترونیک ضروری است.

۳-۱-۳. قضات و دادستان‌ها و وکلای مدافع

قضات و دادستان‌ها و وکلای مدافع بیش از هر کسی از نظام حقوقی که در آن خدمت می‌کنند، آگاه‌اند. این آگاهی مشمول نقص‌ها و خلأها و ابهامات موجود در قوانین، خصوصاً در قوانین کیفری نیز می‌شود. این سه گروه، بیش از هر کسی دیگر (از کشف جرم تا دادرسی و اجرای حکم) در جریان‌اند و از آنجاکه مواد قانونی مربوط به ادله کیفری الکترونیک به همین حوزه تعلق دارد، حضور آنها در میز قانون‌گذاری نقش مهمی در امر جلوگیری از پیش‌آمد نقص و خلأ و ابهام دارد. به این ترتیب، ضمن تقدیم قانون باکیفیت به جامعه، پیشاپیش از تناقض میان قوانین نیز جلوگیری می‌شود و هزینه‌های مربوط به این امر کاهش می‌یابد.

۴. لوازم اجرایی

همان‌گونه که کشف، جمع‌آوری، حفظ و بررسی ادله کیفری اعم از انگشت‌نگاری، بررسی لکه‌های خون، دی‌ان‌ای و ... در صحنه جرم نیاز به یک سری از زیرساخت‌ها (مثل ابزارها و آزمایشگاه‌ها) دارد، ادله کیفری الکترونیک، از جمله اقرار کیفری الکترونیک، نیز همانند آنها به یک سری از زیرساخت‌ها برای پردازش در فرآیند دادرسی نیازمند است. استفاده و عملکرد این زیرساخت‌ها نه تنها مشمول قوای دولت بلکه، مشمول مردم نیز می‌شود. مهم‌ترین مباحث در این خصوص به شرح زیر است.

۴-۱. تشکیل پلیس فناوری اطلاعات و ارتباطات فضای مجازی

دادرسی الکترونیک به زیرساخت‌های فنی و حقوقی ضرورت دارد (زرکلام، ۱۳۹۱: ۱۳۰). تصویب قانون مبارزه با جرائم سایبری و همین‌طور تصویب قانون مربوط به دادرسی الکترونیک، الزام تشکیل پلیس فناوری را به همراه دارد. از آنجاکه پلیس بر بخش مهمی از فرآیند کشف جرائم تسلط دارد، اهمیت تشکیل پلیس مزبور که آموزش لازم در عرصه حقوق و فناوری اطلاعات و ارتباطات را دریافت کرده باشد، ویژه است.

به‌خاطر تفاوت‌های بنیادی ادله کیفری الکترونیک با ادله کیفری سنتی، پلیس سنتی دانش و مهارت مواجهه با ادله کیفری الکترونیک را ندارد. ازاین‌جهت، تشکیل پلیس مزبور نه‌تنها خود یکی از الزامات است بلکه یک سری از الزامات تبعی را نیز در پی دارد که آموزش مداوم و آگاهی از پیشرفت‌های روز فناوری از آن جمله است. باید این نکته را در نظر داشت که پلیس فناوری صرفاً گروهی از انسان‌ها نیست، بلکه شامل گروهی از ربات‌ها^۱ (مجهز با هوش مصنوعی یا غیر آن) نیز است. در مواردی این دو گروه با همکاری یکدیگر عملیات را پیش می‌برند.

در ایران، پلیس فناوری با نام مختصر «پلیس فتا» در سال ۱۳۸۹ شمسی تأسیس شده است. از ایرادهای وارد بر این عملکرد پلیس فتا می‌توان به محدودیت گزارش‌دهی از ارتکاب جرم یا بزه‌دیدگی اتباع ایران در خارج از مرزهای آن اشاره کرد که قاعدتاً با محدودیت‌هایی از جمله عدم امکان گزارش‌دهی مواجه می‌شوند.

در افغانستان، ضمن اینکه پنج سال از تصویب قانون جرائم سایبری گذشته، این کشور فاقد پلیس فناوری است (علامه، ۱۳۹۶: ۸۲). این فقدان، چالش جدی فراروی کشف جرائم در فضای مجازی و همین‌طور مواجهه با ادله کیفری الکترونیک محسوب می‌شود. ارائه اقرار کیفری الکترونیک متهم به دادگاه نیازمند پلیس آموزش دیده و آشنا با فناوری است.

۴-۲. تشکیل دادرسی فضای مجازی

بعد از نهاد پلیس فناوری، دادرسی فضای مجازی نقش مهمی در امر مبارزه با جرائم سنتی مبتنی بر فناوری و جرائم واقع شده در فضای مجازی، خصوصاً در امر جمع‌آوری، حفظ، بررسی و ارائه ادله کیفری الکترونیک به دادگاه دارد. از آنجاکه این امر نیاز به اشخاص متخصص و صاحب نظر دارد (Liu, 2012, 77)، نیاز است که دادرسی فضای مجازی در سراسر کشور ایجاد و با ابزار و وسایل فناوری لازم و پیشرفته تجهیز شوند تا تحقیق و تعقیب و مبارزه با جرائم در سطح ملی و فراملی بر بنیاد ادله الکترونیک ممکن شود. لازم است دادستان‌های مشغول به کار در این حوزه به زبان‌های بین‌المللی خصوصاً به زبان انگلیسی آشنایی لازم داشته باشند تا در فرآیندهای مربوط به ادله کیفری الکترونیک در ورای مرزها دچار چالش نشوند.

تسلط بر فناوری اطلاعات و ارتباطات و آگاهی از تحولات روز در این عرصه از الزامات بنیادین دادستان‌های فعال در این حوزه است. بنابراین، از جمله لوازم تحقق اعتبار اقرار کیفری الکترونیک نیز مستثنا از آنچه بیان شد، نیست. در ایران دادرسی ویژه

جرائم رایانه‌ای برای تعقیب و تحقیقات مقدماتی جرائم واقع شده در فضای مجازی تدارک شده است.^۱ در افغانستان چنین تشکیلاتی موجود نیست.

۳-۴. ایجاد سامانه مدیریت پرونده

از الزامات قانون‌گذاری فناوری اطلاعات و ارتباطات، دادرسی الکترونیک و به تبع آن ادله کیفری الکترونیک، ایجاد سامانه مدیریت پرونده است. این سامانه نه تنها در خصوص جرائم واقع شده در فضای مجازی بلکه در خصوص جرائم سنتی نیز کاربرد دارد. از مرحله کشف جرم تا مرحله محاکمه و در مواردی حتی بعد از آن، جزئیات مربوط به پرونده کیفری در این سامانه ثبت، تعقیب، بررسی و ... می‌شود. از قابلیت این سامانه باید پردازش ادله کیفری الکترونیک باشد. به این ترتیب، حتی طرف‌های دعوا می‌توانند ادله کیفری الکترونیک مورد نظرشان را در این سامانه ثبت کنند و در جریان دادرسی آن را در دادگاه ارائه کنند.

بدون وجود چنین سامانه، از مرحله کشف ادله کیفری الکترونیک تا مرحله ارائه آن به دادگاه، پلیس فضای مجازی، دادستان‌های مسلط به فضای مجازی، وکلای مدافع و ... با چالش مواجه می‌شوند. همچنین، ایجاد این سامانه از الزامات ورود به دادرسی الکترونیک است که ناظر بر هر دو نوع جرائم سنتی و سایبری است (مهر افشان، ۱۳۹۰: ۱۲۴). از فواید این سامانه، ضبط اعمال و اقداماتی است که در فرآیند دادرسی واقع می‌گردد.

در ایران، سامانه مدیریت پرونده قضایی که در شبکه ملی عدالت راه‌اندازی شده است، به موجب بند (ت) ماده ۱ آیین‌نامه نحوه استفاده از سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی مصوب ۱۳۹۵ رئیس قوه قضائیه که اختصاراً «سمپ» نامیده شده است، تأسیس و راه‌اندازی گردیده است.

در افغانستان، سنگ‌بنای سامانه مدیریت پرونده تحت عنوان «سیستم مدیریت ثبت قضایا» در سال ۱۳۸۸ گذاشته شد که در مراحل ابتدایی قرار داشت و در سال ۱۳۹۵ قرار بر این شد که تا سال ۱۴۰۰ این سامانه به‌طور کامل و گسترده فعال گردد، اما با سقوط نظام جمهوری اسلامی افغانستان ناکام ماند و قوه قضائیه از ابتدا تا انتها فروپاشید.

۴-۴. تجهیز دادگاه‌ها با فناوری

ساختار و شکل دادگاه‌های کیفری امروزی، عمدتاً محصول ضرورت‌های دادرسی سنتی است. جایگاه قاضی، متهم، دادستان، مردم و ... همه به‌صورتی تنظیم شده که پاسخگوی رسیدگی به جرائم سنتی و همین‌طور دادرسی آن باشد. اما امروزه، دادرسی الکترونیک به ضرورت‌های دادرسی افزود شده است.

ارائه ادله کیفری الکترونیک نیز به تبع آن به ضرورت‌ها افزود شده است. این موارد نیاز به بازنگری در ساختار و شکل دادگاه‌های کیفری را ایجاد کرده است که بر اساس آن دادگاه‌های کیفری باید به‌صورتی مهندسی و بازسازی شوند که امکان برگزاری دادرسی الکترونیک و ارائه ادله کیفری الکترونیک در آنها وجود داشته باشد (موزن‌زادگان و مولابیگی، ۱۴۰۰: ۲۴۵).

۱. دادرسی جرائم رایانه‌ای ناحیه ۳۱ استان تهران.

در صورت استماع شاهد از ورای مرزها از طریق تماس صوتی-تصویری، باید نمایشگرها و بلندگوها در آن قسمت‌هایی از دادگاه قرارداشته باشد که برای قاضی، متهم، دادستان و مردم حاضر در دادگاه به آسانی قابل مشاهده و شنیدن باشد. همین‌طور در صورت نمایش عکس و یا فیلم به‌عنوان ادله کیفری الکترونیک، باید برای همه اعضای دادگاه قابل مشاهده باشد (مهر افشان، ۱۳۹۳: ۱۶۱).

این مورد و موارد امثال آن، الزام تجهیز دادگاه‌ها را با فناوری اطلاعات و ارتباطات ایجاد کرده که مهم‌ترین آن وجود اینترنت پرسرعت با امنیت بالا به علاوه وجود ابزارهای فناورانه مطمئن و به‌روز در دادگاه است تا امکان استماع اقرار از راه دور چه از داخل یا خارج از کشور و همچنین دریافت و ارائه سایر گونه‌های ادله کیفری الکترونیک بدون توجه به محدودیت زمانی و مکانی فراهم باشد. از حیث ضرورت لزوم وجود لوازم مذکور برای تحقق دادرسی الکترونیک ازجمله ادله الکترونیک و به‌ویژه صحت و اعتبار اقرار الکترونیک، تحقیق میدانی از قضات دادگاه‌های کیفری یک استان تهران نشان می‌دهد که با وجود پذیرش دادرسی الکترونیک در ایران به تصدیق قاطبه قضات مورد مصاحبه در تحقیق مذکور، زیرساخت‌های لازم مورد اشاره برای اعتبار ادله الکترونیک به‌ویژه شهادت الکترونیک که موضوع مصاحبه بوده است، فراهم نشده است (مؤذن زادگان و مولا بیگی، ۱۴۰۰: ۲۴۵).

در افغانستان، بر اساس مشاهدات^۱ انجام شده، به علت عدم توجه لازم قانون‌گذار به دادرسی الکترونیک و به‌تبع آن ادله الکترونیک، دادگاه‌ها با فناوری اطلاعات و ارتباطات تجهیز نشده و به‌طور عموم ساختمان دادگاه‌ها سنتی و فاقد بازسازی لازم است.

نتیجه‌گیری

اقرار کیفری الکترونیک، به‌تبع پذیرش دادرسی الکترونیک، در حقوق ایران بر بنیاد ماده ۶۵۹ قانون آیین دادرسی کیفری (۱۳۹۲) پذیرفته شده است. حقوق افغانستان راجع به پذیرش دادرسی الکترونیک و پذیرش ادله الکترونیک ازجمله اقرار ساکت است. بااین‌حال، می‌توان پذیرش ادله الکترونیک را در حقوق کشور مزبور از دو جهت: یکی، پذیرش ضبط صوتی-تصویری به‌عنوان دلیل (در سطح قرینه) و دیگری احصاء تمثیلی ادله کیفری^۲ استنباط کرد؛ اما با تأکید بر اصل تفسیر مضیق قوانین کیفری، پذیرش اقرار الکترونیک به‌خاطر عدم تصریح قانون‌گذار با چالش مواجه است.

در نقطه مقابل، حقوق ایران قابلیت تصدیق نظام دادرسی الکترونیک به‌نحو عام و ادله الکترونیک ازجمله اقرار به‌نحو خاص را دارد. برخلاف ماده ۱۸۶ قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲) و ۲۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری (۱۳۹۲) که پذیرش شهادت کیفری الکترونیک را موکول به شرط تعذر حضور جسمی شاهد نزد قاضی کرده است، برای تصدیق اقرار الکترونیک شرط لزوم عذر موجه یا اضطراب متهم برای حضور نزد قاضی حسب اطلاق ماده ۶۵۹ قانون اخیر منتفی است.

۱. عبدالقدوس آرسین

۲. ر.ک به ماده ۱۹ قانون اجرائات جزایی (۱۳۹۲) افغانستان

در حقوق هر دو کشور ایران و افغانستان، هرچند که از ظاهر مواد برخی قوانین دادرسی و مجازات اسلامی موضوعیت لزوم حضور جسمی متهم نزد قاضی برای پذیرش اقرار استنباط می‌شود. اما، این امر را نمی‌توان چالشی برای اعتبار اقرار الکترونیک قلمداد کرد. زیرا در دادرسی الکترونیک مانند سنتی، اصل بر لزوم تعامل متهم با مقامات قضایی است که این امر به وسیله تماس صوتی-تصویری مهیا می‌گردد؛ با اینکه متهم حضور جسمی ندارد یا فاصله کوتاه با مقامات قضایی ندارد. اما، حضور همگی در فضای مشترک مجازی تحقق یافته و راجع به جزئیات دعوای مطروحه برقرار است. لذا چنان‌که در متن مقاله توضیح داده‌ایم، این امر را نمی‌توان چالشی برای اقرار الکترونیک تلقی کرد.

با وجود آنچه گفته شد، برای تحقق حضور فعال، شفاف، مطمئن و توأم با امنیت مقامات قضایی و انتظامی با اشخاص ذیدخل در دادرسی از جمله متهم، در دادرسی الکترونیک لازم است که زیرساخت‌های لازم فناوریانه به‌ویژه اینترنت پرسرعت در این خصوص موجود باشد. حسب بررسی‌های میدانی در تهران (ایران) از طریق مصاحبه با قضات در مورد اعتبار شهادت الکترونیک که در متن مقاله به آن ارجاع داده شده است، قاطبه قضات زیرساخت‌های موجود را ناکافی قلمداد کرده‌اند. از این رو، پیشنهاد می‌شود که قوه قضائیه ایران به‌عنوان متصدی اجرای دادرسی الکترونیک برای رفع این چالش همت کافی مبذول دارد. به قانون‌گذار افغانستان پیشنهاد می‌شود که با در نظر داشت لوازم قانون‌گذاری و اجرایی برای پذیرش دادرسی الکترونیک و ادله الکترونیک به‌ویژه اقرار به وضع قانون بپردازد.

منابع

فارسی و عربی

- احمدفراج، حسین. (۲۰۰۴). *أدلة الإثبات في الفقه الإسلامي*، الدار العربية للنشر والتوزيع.
- اسمعیلی، اکبر و پور قهرمانی، بابک. (۱۳۹۸). «چالش‌های فراروی دادرسی الکترونیک در ایران». فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی، ۸۷.
- الهی منش، محمدرضا و تبریزی، صادق. (۱۳۹۷). «کشف علمی جرائم با توسل به ادله نوین و مدارک الکترونیکی (دیجیتال)». کارآگاه، ۴۴.
- حیدری نژاد، نصرت اله. (۱۳۹۶). «بررسی حقوقی ادله الکترونیکی در نظام کنونی». فصلنامه علمی-حقوقی قانونیار.
- علامه، غلام حیدر. (۱۳۹۶). *اصول محاکمات جزایی افغانستان*. دانشگاه ابن سینا.
- حییم، سلیمان. (۱۳۸۳). فرهنگ معاصر بزرگ انگلیسی-فارسی حییم (چهارم). فرهنگ معاصر.
- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۷). *لغت‌نامه دهخدا*، (جلد هفتم). مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.
- زراعت، عباس و حاجی زاده، حمیدرضا. (۱۳۹۰). *ادله اثبات دعوا (دوم)*. قانون مدار، بی نا.
- زرکلام، ستار. (۱۳۹۱). «دادرسی‌های الکترونیکی؛ ضرورت‌ها، الزامات و چالش‌ها». آموزه‌های حقوق کیفری، ۳.
- زهرآزاده حسین، علیانی و احمدی، احمد. (۱۳۹۷). «دادرسی الکترونیک در حقوق ایران: اهداف، مبانی و ویژگی‌ها». فصلنامه تحقیقات حقوق خصوصی و کیفری، ۳۵.
- سرخوش منجق تپه، بهنام؛ داودی گرمارودی، هما. (۱۳۹۸). «بررسی فقهی تشکیل جلسه دادرسی به شیوه الکترونیکی. تحقیقات حقوق تطبیقی ایران و بین الملل»، ۴۳.
- مهر افشان، علیرضا. (۱۳۹۳). «رسیدگی به اتهام از طریق ویدئوکنفرانس»، مجله مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز، ۴.
- غلام لو، جمشید. (۱۳۹۷). «تحلیل فرآیندهای تحصیل اقرار نادرست مرحله تحقیقات پلیسی»، پژوهش حقوق کیفری، ۲۴.
- گلدوزیان، ایرج. (۱۳۹۳). *ادله اثبات دعوا (دعای کیفری و حقوقی)*، علمی و کاربردی، چاپ پنجم، بنیاد حقوقی میزان.
- گیلاکجانی، امیرمحمدی. (۱۳۹۵). «بررسی فقهی - حقوقی ادله الکترونیکی در حقوق کیفری ایران»، دانشگاه علامه محدث نوری (ره).
- معین، محمد. (۱۳۸۶ الف). *فرهنگ فارسی معین*، چاپ چهارم، ج اول، آدنا.
- مفرد، یونس قبادی. (۱۳۹۶). «ادله الکترونیک در نظام دادرسی کیفری»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه قم.
- مهر افشان، علیرضا. (۱۳۹۰). «دادرسی مجازی، مفهومی نوین در عدالت قضایی»، مطالعات فقه و حقوق اسلامی، ۵.
- مؤذن زادگان، حسنعلی. (۱۴۰۱). «بحران کرونا و دادرسی کیفری الکترونیکی»، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی.
- مؤذن زادگان، حسنعلی؛ دهکردی، سلیمان؛ یوشی، مهشید. (۱۳۹۴). «حفظ صحت و استنادپذیری ادله الکترونیک با استفاده از بیومتریک و رمزنگاری»، پژوهش حقوق کیفری، ۱۲.
- مؤذن زادگان، حسنعلی؛ شایگان، محمد. (۱۳۸۸). «استنادپذیری و تحصیل ادله الکترونیکی در حقوق کیفری ایران»، فصلنامه دیدگاه‌های حقوقی، ۴۸.

مؤذن زادگان، حسنعلی؛ مولا بیگی، علی. (۱۴۰۰). «بررسی حقوقی-فقهی شهادت از راه دور با نگاهی به دیدگاه دادگاه کیفری یک استان تهران»، فصلنامه علمی دیدگاه‌های حقوقی قضائی، ۲۶(۹۴).

لاتین

- Ashour, A. J., & Afan, H. A. (2023). Legality of Electronic Evidence in Criminal Evidence. *Journal of Namibian Studies*, 33, 219–231. <https://doi.org/10.59670/jns.v33i.431>
- Baldwin, J. M., Eassey, J. M., & Brooke, E. J. (2020). Court Operations during the COVID-19 Pandemic. *American Journal of Criminal Justice*, 45(4), 743–758. <https://doi.org/10.1007/s12103-020-09553-1>
- Bannon, A., & Keith, D. (2021). Remote Court: Principles for Virtual Proceedings During the COVID-19 Pandemic and Beyond. *Northwestern University Law Review*, 115(6), 1875.
- Black, H. C. (2009). *Black's Law Dictionary* (B. A. Garner (Ed.); 9th ed.). West.
- Cohen, M. A. (2018). Law Is a Profession and an Industry -- It Should Be Regulated That Way. *Forbes*. <https://www.forbes.com/sites/markcohen1/2018/03/29/law-is-a-profession-and-an-industry-it-should-be-regulated-that-way/>
- Damaška M. R. (2019). *Evaluation of evidence: pre-modern and modern approaches*. Cambridge University Press.
- De Vocht, D. L. F. (2022). Trials by video link after the pandemic: the pros and cons of the expansion of virtual justice. *China-EU Law Journal*, 8(1–2), 33–44. <https://doi.org/10.1007/s12689-022-00095-9>
- Father attacks daughter's killer. (2016). <https://www.cbsnews.com/news/father-attacks-daughters-killer-michael-madison-in-court/>
- Howe, A. (2020). Courtroom access: Faced with a pandemic, the Supreme Court pivots. *SCOTUSblog*. <https://www.scotusblog.com/2020/04/courtroom-access-faced-with-a-pandemic-the-supreme-court-pivots/>
- Hurley, L., & Chung, A. (2020). A U.S. Supreme Court first: arguments by teleconference including major one involving Trump. *Reuters*. <https://www.reuters.com/article/us-usa-court-trump-finances/u-s-supreme-court-to-hear-cases-by-teleconference-including-major-one-involving-trump-idUSKCN21V1D4/>
- Jossie, M. K. L., Blumstein, A., & Miller, J. M. (2022). COVID, Crime & Criminal Justice: Affirming the Call for System Reform Research. *American Journal of Criminal Justice*, 47(6), 1243–1259. <https://doi.org/10.1007/s12103-022-09721-5>
- Judith Rowbotham, Marianna Muravyeva, D. N. (2013). *Shame, Blame, and Culpability: Crime and Violence in the Modern State* (J. Rowbotham, M. Muravyeva, & D. Nash (Eds.)). Routledge.
- Legg, M. (2021). The COVID-19 Pandemic, the Courts and Online Hearings: Maintaining Open Justice, Procedural Fairness and Impartiality. *Federal Law Review*, 49(2), 161–184. <https://doi.org/10.1177/0067205X21993139>

- Legg, M., & Song, A. (2021). The courts, the remote hearing and the pandemic: from action to reflection. *UNSW Law Journal*, 44(1). <https://doi.org/https://doi.org/10.53637/ZATE4122>
- Liu, P. (2012). Trial on the electronic evidence: China's rules on electronic evidence. *Frontiers of Law in China*, 7(1), 74–90. <https://doi.org/10.3868/s050-001-012-0004-3>
- Macagno, F. (2010). Definitions in law. *Bulletin Suisse de Linguistique Appliquée*, 2, 199–217.
- Maryland v. Craig. (1990). In *US* (Vol. 497, Issue No. 89-478, p. 836). Supreme Court.
- Mason, S., & Seng, D. (Eds.). (2021). *Electronic Evidence and Electronic Signatures* (5th ed.). Institute of Advanced Legal Studies for the SAS Humanities Digital Library.
- Texas murder suspect attacked by victim's family inside courtroom. (2023). <https://nypost.com/2023/10/22/texas-murder-suspect-victor-rivas-attacked-by-victims-family-inside-courtroom-after-gesturing-to-them-report/>
- Thienel, T. (2006). The admissibility of evidence obtained by torture under international law. *Eur. J. Int'l L.*, 17, 349.
- Viglione, J., Peck, J. H., & Frazier, J. D. (2023). COVID-19 and Courts: An Exploration of the Impacts of the Pandemic on Case Processing and Operations. *Victims & Offenders*, 18(5), 1557–1579. <https://doi.org/https://doi.org/10.1080/15564886.2022.2133034>

